

چرا قصد سفر به ایران را داریم؟

دومین مقاله

نوشته: فیل ویلاتو
(رئیس گروه ضد جنگ)

مجله نیویورکر چندی پیش در شماره ماه مارس خود مقاله جالبی درباره ایران به قلم سیمور هرش منتشر کرد. او روزنامه‌نگاری محقق و برنده جایزه پولیتز است که در سال ۱۹۶۹ راجع به وقایع قتل عام مای‌لای در ویتنام و به‌تازگی نیز بدرفتاری با زندانیان ابوغریب عراق دست به افشگری زده است.

تظاهرات ضد جنگ در ریچموند



از راست سینی سینهان با آنا همسر فیل ویلاتو با روزنامه دیفنדר که تیر بزرگ آن در مخالفت با حمله آمریکا به ایران است

گفته می‌شود هرش با افراد مهم پنتاگون و وزارت امور خارجه- به‌ویژه کسانی که چندان هم با روش دولت بوش در اداره سیاست خارجی آمریکا موافق نیستند- مراوده دارد. وی در مقاله‌اش از قول فلینت لورت، از مقامات سابق شورای امنیت ملی دولت بوش، از یکی از تاکتیک‌های دولت وقت به‌نام «عملیات اقدامات تحریک‌کننده برای افزایش فشار به ایران» سخن گفته است.

شیعی در جهان، اصفهان (پایتخت افسانه‌ای ایران در قرون گذشته)، شیراز (گل سرسید فرهنگ کلاسیک اسلامی و محل نشو و نما می‌تمدن کهن ایران پیش از اسلام) بازدید خواهند کرد. سفر هیأت‌ها از نیویورک آغاز و مراجعت آن‌ها نیز به همین منطقه خواهد بود.

چه کسانی؟ از تمامی علاقه‌مندان به‌ویژه کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت و فعالیت‌های عام‌المنفعه اجتماعی دخیل هستند، دعوت می‌شود فرصت استثنایی پیش‌آمده را مغتنم بشمارند. هدف ما اعزام هیأت‌هایی است که معرف و نماینده اقوام، مذاهب و اقشار گوناگون ایالات متحده آمریکا باشند. بدین ترتیب، نمایندگان اعزامی می‌توانند مسائل ایران را که همواره پیرامون آن‌ها در آمریکا سوالات و ابهامات فراوانی برای طیف گسترده‌ای از آمریکایی‌ها مطرح است، مستقیماً مشاهده و بررسی کنند و در مقابل چهره حقیقی خود را از جایگاه نمایندگان جامعه مدنی آمریکا، برای مردم ایران به نمایش بگذارند.

چطور؟ برای شرکت و یا کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید از طریق ایمیل به آدرس iran@forusa.org یا شماره تلفن ۴۶۰۱ - ۳۵۸ - ۸۴۵ داخلی ۲۷ با برنامه ایران (جمعیت آشتی) تماس بگیرید. همچنین می‌توانید فرم تقاضا را دانلود و به ما ایمیل کنید. مهلت ارسال درخواست تا ۲۰ مارس ۲۰۰۷ است. به محض دریافت تقاضانامه و مدارک تکمیلی، مرحله بررسی برای گزینش آغاز خواهد شد. باتوجه به محدودیت جا در این سفر و همچنین توافق‌های سازمانی با اسپانسرها، ناچاریم مناسب‌ترین داوطلبان واجد شرایط را انتخاب کنیم. برای ارائه اطلاعات بیشتر درباره سفر به ایران و مراحل درخواست ویزا، با داوطلبان تماس حاصل خواهد شد.

هزینه؟ هزینه هیأت ۲۵۰۰۰ دلار شامل مخارج مربوط به تهیه ویزا، نشست‌های توجیهی، بلیت هواپیما، اسکان و غذا، ایاب و ذهاب در خاک ایران، هدایا و حق‌الزحمه یک راهنمای انگلیسی‌زبان است. «جمعیت» هیچ مسئولیتی درقبال هزینه نقل و انتقال اعضای هیأت‌ها در داخل خاک ایالات متحده آمریکا ندارد.

چرا؟ «جمعیت آشتی» به‌مثابه تشکیلی صلح‌طلب که تغییر و تحولات آرام و مسالمت‌آمیز اجتماعی را سرلوحه کار خود می‌داند، همت خود را بر تلاش مستمر و پیگیر به‌نیت عملی‌ساختن صلح و عدالت و آشتی در سراسر جهان مصروف ساخته است. تسهیل زمینه گفت‌وگوی مستقیم و ترویج دیپلماسی مردمی در میان شهروندان کشورهایی که دولت‌های آن‌ها با یکدیگر منازعه دارند، یکی از راه‌های دستیابی به این هدف است.

طرح ابتکاری جمعیت آشتی به هیأت‌های آمریکایی و میزبانان ایرانی‌شان امکان می‌دهد تا بی‌واسطه با یکدیگر آشنا شده و به تبادل اطلاعات بپردازند. همچنین مجالی است تا آن‌ها به یافتن راه‌هایی برای کاهش دامنه و شدت تنش‌های میان دو کشور بیندیشند. شرکت‌کنندگان با هموعان خود در دو سوی کره زمین هم‌کلام می‌شوند تا روش‌هایی برای ایجاد اعتماد میان ملت‌هایشان پیدا کنند. مردم آمریکا و مردم ایران می‌توانند برای ایجاد و حفظ جامعه مستقل دموکراتیک، به تبادل آراء و عقاید بپردازند.

امیدواریم تداوم سفر این هیأت‌ها به شهروندان دو کشور کمک کند تا ریشه‌های منازعات دولت‌هایشان را بشناسند. در نهایت امیدواریم آن‌ها فرایندهای جدیدی را طراحی و پیشنهاد کنند تا دشمنی‌ها، بدون توسل به زور و خشونت پایان‌یابند. ■

پنتاگون همچنان به
برنامه‌ریزی گسترده خود برای
حمله به ایران طی روزهای که
در سال گذشته به دستور
رئیس‌جمهور آغاز شده است.
ادامه می‌دهد. در ماه‌های
آخیر یک گروه طراحی ویژه
در دفتر ستاد مشترک تشکیل
شده که مأموریت آن ترسیم
نقشه‌های بسیار احتمالی
ایران ظرف ۱۲ ساعت پس از
فرمان رئیس‌جمهور است.



با نمایندگان ایالات متحده آمریکا را برای گفت‌وگوی بی‌قید و شرط درباره تمامی مسائل عمده و بحث‌انگیز بین دو کشور مطرح کرد. حال چه شده که پرزیدنت بوش و عروسک‌گردان‌های نومحافظه‌کارش تا این حد بر حمله به ایران اصرار می‌ورزند؟ دلیلش این است که این اوضاع خطرناک و روبه‌وخامت ربطی به ایران ندارد.

اگر بحث نیروگاه‌های هسته‌ای است که ایالات متحده، خود دهه‌ها نیروگاه هسته‌ای دارد. ۲۹ کشور دیگر نیز از راکتورهای انرژی هسته‌ای برخوردارند که جمعاً ۴۶۵ مورد می‌شود و آن‌ها هم‌اکنون ۱۶ درصد برق جهان را تأمین می‌کنند. پس چرا ایران باید از این موهبت محروم باشد؟



به تصور آنان فشارهای وارده به ایران باعث خواهد شد که این کشور بالاخره در یک نقطه از خود واکنش نشان دهد و آن‌گاه دولت بوش بهانه کافی برای حمله به ایران را پیدا خواهد کرد. به گفته هرش، دولت بوش واکنش‌های خود را از قبل پیش‌بینی و آماده کرده است:

«... پنتاگون همچنان به برنامه‌ریزی گسترده خود برای حمله به ایران طی روندی که در سال گذشته به دستور رئیس‌جمهور آغاز شده است، ادامه می‌دهد. در ماه‌های اخیر یک گروه طراحی ویژه در دفاتر ستاد مشترک تشکیل شده که مأموریت آن، ترسیم نقشه‌های بمباران احتمالی ایران ظرف ۲۴ ساعت پس از فرمان رئیس‌جمهور است.»

در گزارش‌های دیگر، تعداد نقاط پیش‌بینی‌شده در این برنامه ۱۰۰۰۰ هدف ذکر شده، که نه تنها اهداف نظامی بلکه مراکز تجاری و غیرنظامی را نیز دربرمی‌گیرد.

این یک طرح انتزاعی و خیالی نیست. دو ناو هواپیمابر آمریکایی به نام‌های یواس.اس آیزنهاور و یواس.اس استینیس از ماه مارس در دریای عرب مشغول گشت‌زنی بوده‌اند.

هر کدام از این ناوها، حامل صدها موشک، بیش از ۸۰ هواپیمای جنگی و ۵۰۰۰ نیرو مرکب از پرسنل نیروی دریایی و تفتگذاران به علاوه رزمناوهای پشتیبانی هستند. این ناوهای عظیم هواپیمابر مانند پایگاه‌های شناور نیروی هوایی هستند که نه برای دفاع از سواحل ایالات متحده آمریکا، که به منظور عملیات‌های تهاجمی علیه اهدافی در مناطق دوردست دنیا ساخته شده‌اند.

هرش تنها فردی نیست که اعتقاد دارد آمریکا مایل به جنگ با ایران است. اول فوریه، زیگنیو برزیسکی، مشاور سابق امنیت ملی دولت کارتر، به اعضای کمیته روابط خارجی سنا گفت دولت بوش به دنبال بهانه‌ای برای جنگ با ایران است.

معمار سابق جنگ سرد درباره چگونگی شکل‌گیری این تهدید گفت:

«اگر ایالات متحده آمریکا در باتلاق زد و خورد‌های خونین و فرسایشی خود در عراق بماند، مقصد نهایی‌اش در سرازیری سقوط، سرشاخ‌شدن با ایران و سرانجام با بخش اعظم جهان اسلام خواهد بود.»

وی افزود: «سناریوی معقول برای مواجهه نظامی با ایران، از ناتوانی عراق در تطبیق خود با معیارها و دستورالعمل‌های توصیه‌شده، آغاز می‌شود و در ادامه نیز این شکست‌ها را به گردن ایران می‌اندازند که به‌طور طبیعی، واکنش‌هایی را از جانب این کشور در پی خواهد داشت و سرانجام ایالات متحده آمریکا با این بهانه دست به یک عملیات نظامی تداومی علیه ایران خواهد زد...»

به یک نقل قول نیز از مجله نیوزویک چاپ ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ توجه کنید:

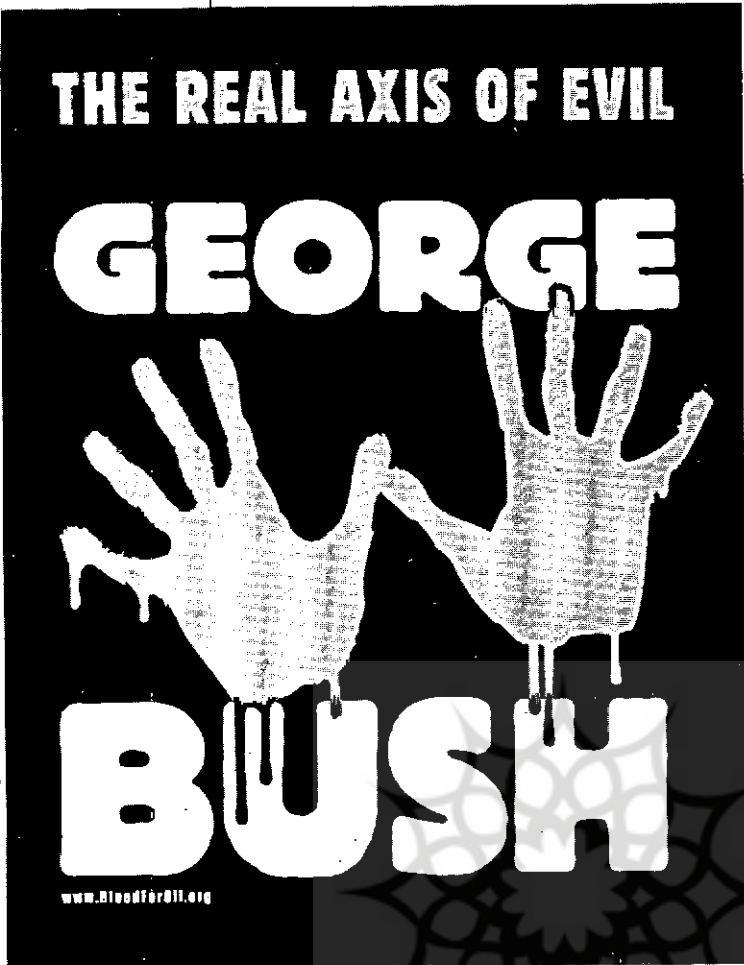
هیلاری من، از مقامات سابق کاخ سفید و مدیر سابق بخش امور ایران و خلیج فارس شورای امنیت ملی در دولت بوش گفت: «آمریکاییان قصد دارند ضمن تحریک ایرانی‌ها آن قدر فشار بیاورند تا آن‌ها مجبور به عکس‌العمل شوند و بدین ترتیب بهانه تلافی به‌دست آمریکا بیفتد.»

وی اعتراف کرد که برخی از مشاوران بوش به دنبال دستاویزهایی برای حمله به ایران هستند.

البته در این قضایا نباید از روشنگری‌های جرج تیت- رئیس سابق سازمان سیا- نیز غافل شد. وی به‌تازگی اتهاماتی را متوجه دولت بوش کرده و گفته است که تصمیم حمله به عراق قبلاً اتخاذ شده بود و برای توجیه آن فقط نیاز به پرونده‌سازی داشتیم که این کار نیز انجام شد. مانند که دروغ‌های آشکار و گستاخانه و فریب‌کاری‌های این پرونده از آن زمان کاملاً برملا شده‌اند.

ایران، کشوری است که حملات یازدهم سپتامبر را محکوم کرده، مخالف سرسخت القاعده است و در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد ملاقات

اگر ایالات متحده آمریکا در باتلاق زد و خورد‌های خونین و فرسایشی خود در عراق بماند، مقصد نهایی‌اش در سرازیری سقوط، سرشاخ‌شدن با ایران و سرانجام با بخش اعظم جهان اسلام خواهد بود.



اگر موضوع مربوط به سلاح‌های هسته‌ای است که انگلیس، خود معدن چنان سلاح‌هایی است. فرانسه، چین و روسیه هم همین‌طور. برخی از گزارش‌ها نشان می‌دهد اسرائیل، بیش از ۲۰۰ سلاح هسته‌ای در انبارهای خود نگهداری می‌کند. با این وصف، برای جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای، آشکارا این کشور را به حملات هسته‌ای تهدید کرده است.

البته آمریکا ۱۰۰۰۰ سلاح هسته‌ای در زرادخانه‌های خود نگهداری می‌کند که از مجموع سلاح‌های هسته‌ای کشورهای دیگر بیشتر است و تنها کشوری است که این سلاح را علیه مردم بی‌دفاع و در زمانی که کشور دیگری قادر به تلافی نبود، به کار برده است. اگر تروریسم بهانه است، کافی است به گوانتانامو و ابوغریب بیندیشید؛ نسل‌کشی بومیان آمریکا، اسارت میلیون‌ها آفریقایی، تصرف نیمی از مکزیک و استثمار سیل انبوه مهاجران فقیر اروپایی که جای خود را دارد.

حرف بر سر این‌ها نیست، اصلاً دولت بوش قصد دارد علیه ایران جنگ راه بیندازد. چون نمی‌خواهد هیچ کشور دیگری توانایی ایستادگی در برابر امپراتوری جدید آمریکا را داشته و با آن به مخالفت برخیزد.

این‌ها حدس و گمان نیست. پنتاگون در سال ۱۹۹۷ در پیش‌نویس سندی که محتوایش به روزنامه نیویورک تایمز درز کرد، چارچوب قواعد جدیدی را ترسیم کرد که بر اساس آن، آمریکا نباید به هیچ کشوری - دوست یا دشمن - اجازه دهد تا به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود و این ابرقدرت را به چالش بکشد.

به‌خاطر داشته باشید، این اتفاق چند سال بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و درست در زمانی که استراتژیست‌های آمریکایی تلاش می‌کردند موقعیت جدید خود را به عنوان «تنها ابرقدرت جهان» تثبیت کنند، رخ داد.

نکته مذکور، در سند دیگری که در سال ۲۰۰۰ توسط پروژه قرن جدید آمریکایی منتشر شد نیز مورد تأکید قرار گرفت. این پروژه، محفلی متشکل از صاحب‌نظران نومحافظه‌کار است که تحلیلگران نزدیک به دولت بوش و یا اعضای دولت او هستند:

«در حال حاضر، آمریکا با هیچ رقیب جهانی‌ای روبه‌رو نیست. هدف راهبردی مهم و بلندمدت آمریکا، حفظ و بسط این موقعیت

ممتاز است، تا هر زمانی که در آینده ممکن باشد.»

به عبارت دیگر، تشکیلات نظامی و سیاسی آمریکا با هم بدین توافق رسیده‌اند که تنها آمریکا استحقاق کنترل کشورها، مناطق، قاره‌ها و دنیا را دارد.

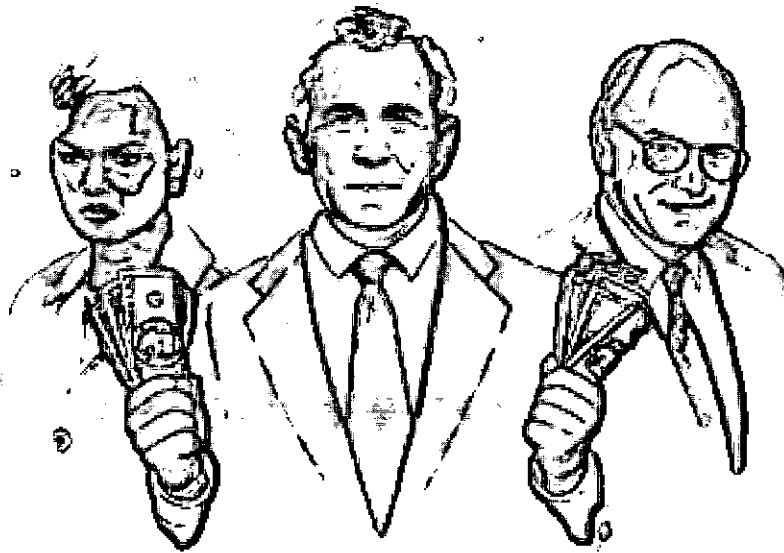
بعد از این که عراق به عنوان قدرت نظامی منطقه از بین رفت، هم‌اکنون دولت بوش، ایران را تنها قدرت منطقه می‌داند. از این‌رو هدف جدید آمریکا از حمله به ایران همین امر است.

به‌راستی چه چیزی در پشت این استکبار و جاه‌طلبی‌های وحشیانه نهفته است؟ آیا صرفاً حرص و طمع است، درست مثل زریزستان که با دیدن طلا دیوانه می‌شوند؟ یا عطش سیراب‌ناشدنی قدرت است، مانند اسکندر کبیر که وقتی فهمید دیگر دنیایی برای فتح وجود ندارد، گریست؟

خیر، زیرا محافل حاکم بر آمریکا در جهت منافع شرکت‌های بزرگی که تنها قانون مورد قبول آن‌ها سودافزایی است، حرکت می‌کنند. بر اساس این قانون، شما باید حوزه قدرت و نفوذ خود را گسترش دهید و الا به‌دست رقبای بی‌رحم‌تر نابود می‌شوید. پس آنان برای گسترش قلمرو امپراتوری اقتصادی خود می‌بایست یک امپراتوری نظامی را تاسیس، تثبیت و کنترل کنند. جنگ‌اندازی به ثروت دنیا اقتضا می‌کند که تمام دنیا را زیر سیطره خود بگیرند.

همه ما اعم از کارگران و فقیران آمریکا و همچنین همه مردم دنیا با این اوضاع مخالفیم. تغییر رئیس‌جمهورها این معادله اساسی را دگرگون نخواهد کرد. مادامی که نظام اقتصادی آمریکا اولویت را به کسب سود و منفعت‌طلبی می‌دهد و مردم برایش حکم موجودات دست‌دوم را دارند، انسان‌ها از فقر، نژادپرستی، جنگ و گرم‌شدن زمین در رنج و عذاب خواهند بود.

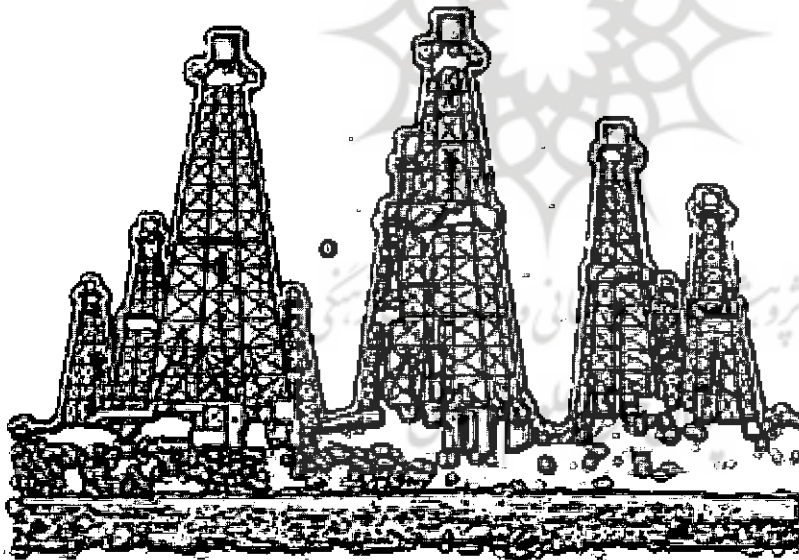
پنتاگون در سال ۱۹۹۷
در پیش‌نویس سندی که
محتوایش به روزنامه
نیویورک تایمز درز کرد،
چارچوب قواعد جدیدی
را ترسیم کرد که بر اساس
آن آمریکا نباید به هیچ
کشوری - دوست یا دشمن -
اجازه دهد تا به قدرتی
منطقه‌ای تبدیل شود و این
ابرقدرت را به چالش بکشد.



The White House Mafia

Whenever we needed more oil we just invaded another country

... it was better than having our own production!



WhiteHouseMafia.com

سفر می‌کنیم، بدین امید که تبلیغات دروغین و فریب‌کاری‌های دولتمان را بر ملا سازیم.

قصد داریم با مردم ایران در خاک خودشان، در شهرها و روستاهایشان دیدار کنیم. می‌خواهیم اشتیاق و علاقه‌مان به صلح و دوستی را اعلام بداریم و دیده‌ها و شنیده‌هایمان را در بازگشت به کشور منعکس کنیم.

قصد داریم حقیقت را درباره مردم ایران و دروغ‌های دولت آمریکا را افشا کنیم. می‌خواهیم در این قضایا موضع بگیریم. ■

(ریچموند دینندر، جلد ۳، شماره ۲، مارس - آوریل ۲۰۰۷)

چرا به ایران می‌رویم؟

زیرا معتقدیم که امروزه صلح و عدالت، آزادی و برابری در هیچ زمانی چون برهه کنونی به مخاطره نیفتاده است و برای انجام کاری که به این مصیبت‌ها خاتمه دهد، زمان بسیار محدود است. ما به‌دفعات راه‌پیمایی و تظاهرات کردیم. نامه و شکوائیه نوشتیم، دست به نافرمانی‌های مدنی زدیم و به زندان افتادیم. با آن‌که همه این کارها مؤثر بوده‌اند، اما باید بیش از این عمل کرد و به کارهای کنونی راضی نبود.

آشکارا به کشوری که وزارت خارجه آمریکا می‌گوید خطرناک است،

11 MILLION
IRAQI DEAD
SINCE MARCH 2003



FOX IS NOOZE

www.einkers.org

صلح و عدالت آزادی و برابری در
هیچ زمانی چون برهه کنونی به
مخاطره نیفتاده است و برای انجام
کاری که به این مصیبت‌ها خاتمه
دهد زمان بسیار محدود است